

عالم ذر

صادق رضائی

سؤال: عالم ذر چیست؟ و در کجا است؟

پاسخ: در قرآن مجید سخن از یک پیمان، عهد، میثاق و گواهی به میان آمده است که خداوند از انسانها گرفته است. روشن ترین آیه‌ای که بر این حقیقت دلالت دارد، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است که به آیه «ذر» معروف شده است. این آیه دقیق ترین معنی و شگفت‌ترین نظم را دارد. آیات دیگری نیز مفسر همین حقیقت معرفی شده‌اند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»

به یاد آور زمانی را که پروردگارت از پشت (وصلب) فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنان را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. (چرا چنین کرد؟) برای اینکه در روز رستاخیز نگوئید ما از این غافل بودیم.»

از آنجا که در این آیه سخن از ذریه (فرزندان خردسال) آدم (ع) به میان آمده و این آیه به «آیه ذر» یاد می‌کنند و به خاطر کلمه «الست» به (پیمان‌الست) معروف است. همچنین لفظ ذریه در قرآن نوزده بار وارد شده که در تمام موارد نسل انسان مراد است.

در تفسیر این آیه دربارهٔ اینکه عالم ذر چگونه، و در کجا و حضور فرزندان آدم (ع) چگونه بوده احادیث و به دنبال آن سخن دانشمندان گوناگون است. در اینجا به بیان دو دیدگاه بسنده می‌شود.

اول منظور از این عالم و این پیمان (عالم استعدادها) و (پیمان فطرت) است. به این معنی که هرگاه فرزندان آدم به صورت نطفه از صلب، (پشت و کمر) پدران به رحم مادران که بیش از یک ذره نیستند منتقل می‌شوند، خداوند استعداد و آمادگی فهم و شناخت ربوبیت و توحید را به آنها می‌دهد، یعنی هم در نهاد و فطرتشان این سرّ الهی به صورت یک حسن درون ذاتی به ودیعه گذارده می‌شود و هم در عقل و خردشان به صورت یک حقیقت خود آگاه. خداوند متعال در طول زندگی دنیایی آثار صنع و نشانه‌های یگانگی خود را به انسان نشان می‌دهد و آنان





را بر این امر گواه می‌گیرد. گویا می‌فرماید: «أَلست بر بکم» و انسانها با زبان حال پاسخ می‌دهند. «بلی شهدنا» پس در اینجا پیمان تکوینی است و سخن گفتن مانند خبر دادن رنگ و رخساره از وضعیت درونی شخص است.

بنابراین بیان، مراد از عالم ذر همان فطرت انسانی است. انسانهای بدوی و متکامل در این احساس مشترکند که همه مربوب و خداوند رب آنهاست.

پس انسانها هرگز از این پیمان و شناخت غافل نبوده و نیستند، لذا خداوند در قیامت علیه همه انسانها احتجاج می‌کند، برخی روایات موافق این نظر است.

دوم: مرحوم علامه طباطبایی نظریه خویش را این گونه تبیین می‌کند (عالم ذر) روح این عالم است که آن را (عالم غیب) نیز می‌گویند. توضیح اینکه هر موجودی دو وجه (صورت و جنبه) دارد: وجهی به سوی خدا که زمان و تدریج در آن راه ندارد و وجهی به سوی دیگر که در آن تدریج و زمان راه دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «اِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (سوره یس، آیه ۸۲) خداوند وقتی بخواهد چیزی را ایجاد کند، به آن می‌گوید: موجود شد! بی‌درنگ به وجود می‌آید «کن» هم امر (دستور) است و هم مخاطب درست کن.

پس کلمه (کن) از طرفی وجود شیء و از طرفی ایجاد شیء است و این موجود منبسط یک وجه (الی الله دارد) که عالم ذر است و همان موجود یک وجه دیگر دارد که همین دنیای ظاهر است. بنابراین، عالم ذر این عالم مسلوب نیست. می‌توان ریشه‌های سخن علامه طباطبایی را در تفسیر کنزالدقایق پیدا کرد.

پیمان از چه بود؟

از آیه ذر به دست می‌آید که مفاد پیمان گواهی بر پذیرش پروردگار (الست بر بکم) و بر پذیرش توحید بوده است «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا» (سوره اعراف، آیه ۱۷۳) و برخی روایات این پیمان را به فطرت نیز می‌کشاند: «الدین الحنیف والفطرة و صبغة الله التعریف فی الميثاق» دین حنیف و فطرت و صبغة الله و تعریف همان است که خداوند در میثاق (یعنی در پیمانی که خدا با روح بشر بسته، بشر را با آن آشنا کرده است). روایاتی نیز اعتراف به نبوت رسول اکرم (ص) و امامت حضرت علی (ع) را جز پیمان عالم ذر معرفی می‌کنند.

پیمان برای چه بود؟

از آیه ذر دو هدف اصلی برای این پیمان به دست می‌آید:

الف) حجت بر انسانها تمام می‌شود تا در رستاخیز نگویند. ما از موضوع شناخت خدا بی‌خبر بودیم و لذا کافر شدیم. «أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»

ب) حجت بر انسانها تمام شود تا در رستاخیز نگویند: پدران ما بت پرست بودند و ما هم فرزندان همان پدران هستیم و چاره جز تبعیت از آنها نداشتیم: «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ».